

درس دوازدهم

«پیشینه‌ی سوادآموزی (آزاد)»

آموختنی‌ها

- ۱- معنی و مفهوم ایالت زلال و سیرغ
- ۲- تفاوت مکان آموزش قدیم و جدید
- ۳- آشنایی مطالب درس و نحوه‌ی آموزش در گذشته
- ۴- نقش معلم در مکتب‌خانه
- ۵- آشنایی با زلال، سیرغ و سام در شاهنامه‌ی فردوسی



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

پیران: پروردگار، خداوند
 نکو: پسندیده، خوب و نیکو
 فربه: چاق
 شیردل: دلیر، شجاع
 عافیت: سلامتی و آسایش
 عاقبت: پایان کار، سرانجام
 کهن: گذشته، قدیم

بی آزار: بی‌دین، اذیت

شید: درخشان، خورشید، درخشنده

بی‌همتا: بی‌نظیر، یکتا، یگانه

جامه: تن پوش، پوشاک، لباس

بهشت‌برین: بهشت آسمان

اطبا: جمع طبیب

مویدان: روح‌هایی زرتشتی

هرسبه: نوعی آش، حلیم، غذایی از گوشت و حبوبات

مکتب‌خانه: محل آموزش، خانه‌ی آموزش

سرزنش: نکوهش، ملامت، بازخواست کردن

سیرغ: مرغی افسانه‌ای که آن را پادشاه پرنده‌گان دانسته‌اند.

عَمَّ جُزْؤٌ: به جزوهای از سوره‌های کوچک قرآن، که در مکتب‌خانه‌ها تدریس می‌شد، (عَمَّ جُزْؤٌ) می‌گویند.

کلمات متضاد

نهان ≠ آشکار

نامید ≠ امیدوار (نیو) نکو ≠ بدی

کلمات هم‌خانواده

اطبا، طبیب، طبیب - معب، عاجز، عاجز

معالجت، عداج، معالجه



زال و سیرغ

به چهره، نگو بود بر سان شید و لیکن همه موی، بودش سپید

از نظر چهره، مثل خورشید زیبا بود ولی همه موهایش، سر تا پا سفید بود.

چو فرزند را دید، مویش سپید بشد از جان، یکسره ناامید

سام هنگامی که دید موی فرزندش، همه سفید است، دیگر به کلی از زندگی ناامید شد.

چو آیند و پرسند، گردن کشان چه گویم از این بچه بد نشان؟

سام با خود گفت: اگر بزرگان و پهلوانان بیایند و از من پرسند، در مورد این کودک عینک چه بگویم؟

چه گویم که این بچه دیو، کیست پلنگ دورنگ است یا خود پری است

چه بگویم که این دیو زاده کیست؟ یا اینکه پری زاده است؟

بخشد بر من، همان جهان از این بچه، در آشکار و نهان

بزرگان دنیا، به خاطر این بچه، پنهان و آشکار، مرا مسخره می کنند و به من می خندند.

یکی کوه بد، نامش البرز کوه به خورشید نزدیک و دور از گروه

کوهی بود که نامش (البرز) بود. این کوه، از بلندی بسیار به خورشید می رسید و از مردمان دور افتاده بود.

بدان جای، سیرغ را لانه بود که آن خانه از خلق، بیگانه بود

سیرغ در آن جا لانه داشت و مردم از لانه اش بی خبر بودند.

نهادند بر کوه و گشتند باز بر آمد بر این، روزگاری دراز

بچه را پای کوه گذاشتند و باز گشتند. زمان زیادی از این موضوع گذشت.

پدر، مهر بیرید و بکنند خوار جفا کرد بر کودک شیرخوار

پدر (سام) پیوند و علاقه اش را به فرزند قطع کرد و او را به خواری رها کرد و به آن طفل شیرخوار ستم روا داشت.



بدین گونه بر، روزگاری دراز برآمد که بد کودک آنجا به راز

🎧 زمان درازی بدین گونه گذشت و در این مدت، کودک در آنجا از همه پنهان بود.

همان گه، بیایم چو ابر سیاه بی آزارت آرم، بدین جایگاه

🎧 همان زمان مانند ابر سیاه خواهم آمد و بدون اینکه آسیبی ببینی تو را به همین جا خواهم آورد.

دل سام شد چون بهشت برین بر آن پاک فرزند، کرد آفرین

🎧 دل سام از خوشی مانند بهشت خرم شد و بر آن فرزند پاک، دعا کرد و درود فرستاد.

بخوان و بدان



تاریخچه

پیشینه‌ی سواد آموزی

در تهران قدیم، قبل از تأسیس مدارس به شیوه‌ی جدید، دانش‌آموزان از شش سالگی باید در مکان‌هایی به نام «مکتب‌خانه»، خواندن و نوشتن را فرا می‌گرفتند. اما به دلیل سخت‌گیری فراوان، بیش‌تر دانش‌آموزان از رفتن به «مکتب‌خانه»، سر بلز می‌زدند.

دو نوع مکتب‌خانه وجود داشت. یکی «خصوصی»، که مخصوص ثروتمندان و اعیان بود و دیگری «عمومی»، که همه‌ی مردم فرزندانشان را به آنجا می‌فرستادند. مکتب‌داران خیلی سخت می‌گرفتند و دانش‌آموزان هم شیطنت‌هایی می‌کردند و بالاخره تنبیه می‌شدند.

درس‌هایی که در مکتب‌خانه تدریس می‌شد، عبارت بود از: خواندن و نوشتن حروف الفبا و در سال دوم به آن‌ها جزوه‌ای از سوره‌های کوچک قرآن (عمّ جزو) آموزش داده می‌شد. در سال‌های بعد هم کتاب قرآن، گلستان سعدی، جامع عباسی و... تدریس می‌شد.

همچنین معلم مکتب‌خانه مکلف بود تا شاگردان خود را با معارف دینی و مذهبی آشنا کند. معلمان مکتب‌خانه از بچه‌ها انتظار داشتند در قبال آموزش‌هایی که به آن‌ها می‌دادند، فرمان آن‌ها را اجرا کنند. مانند: جارو کردن دکان و اتاق مکتب‌خانه، پر کردن

کوزه آب‌خوری و ...

درنا: برنا هیچ می‌دونی پدربزرگ خیلی باسواده؟

برنا: چطور؟

درنا: قرآن رو خیلی روان و زیبا می‌خونه و کتاب مثنوی مولوی و شاهنامه و... را هم عالی

برنا: آخه چه‌جوری؟ در قدیم که مدرسه‌ها مثل الان نبودا بهتره از خودش بپرسیم.

پدربزرگ با لبخند خلاصه‌ای از آموزش در مکتب‌خانه را برای بچه‌ها تعریف کرد.

امروزه کودکان قبل از مدرسه به مهد کودک، سپس به پیش‌دبستانی و بعد از آن به دبستان می‌روند و در آنجا سواد می‌آموزند. اما

در گذشته بچه‌ها به «مکتب‌خانه»، می‌رفتند و در آنجا با قوانین خاصی به آموختن می‌پرداختند. البته در آنجا کتاب‌های مهمی مثل

گلستان سعدی، قرآن و... آموزش داده می‌شد و بچه‌ها مهارت‌های مهم زندگی را در کنار هم می‌آموختند.

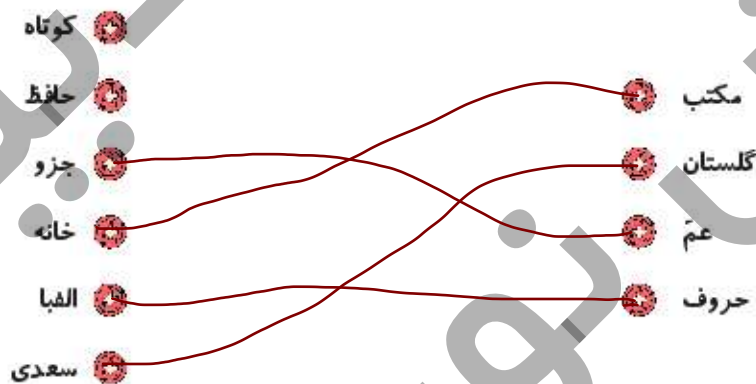


یکی از راه‌های تقویت املا، کامل کردن بند یا قسمت‌هایی از درس است که کلماتی از آن جا افتاده است. از بزرگتر خود بخواه قسمتی از درس را بنویسد و کلماتی که ارزش املائی دارد را جا بگذارد و از شما بخواهد آن‌ها را بنویسی. متن حکایت (بوعلی و بانگ گاو) را بخوان و سپس کلمات جا افتاده‌ی حکایت را در جاهای خالی بنویس.

یکی از بزرگان، بیمار شده بود، چنان که **نصویر** می‌کرده، گاو شده است. پس همه روزها **با نیکو** می‌کرد. و این و آن را می‌گفت: «مرا بکشید که از گوشت من **جهری** نیکو آید. کار او به درجه‌ای بکشید که هیچ نمی‌خورد و **اطبا** در معالجت **عاجز** ماندند. سرانجام خواجه ابوعلی سینا را آوردند تا او را **علاج** کند.

تمرین

۱ هر کلمه را به قسمت دوم آن وصل کن. (دو گزینه اضافی است.)



۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: در مکتب‌خانه علوم فیزیک و شیمی تدریس می‌شد.

ب: سختگیری یکی از دلایل سرباز زدن از مکتب بود.

پ: در مکتب‌خانه فقط خواندن و نوشتن آموزش داده می‌شد.

۳ کلمه‌های هم‌معنی را در جاهای خالی و کنار هم بنویس.

شیطنت - در قبال - مکلف - بازیگوشی - در برابر - موظف

مقابل = در برابر

مکلف = موظف

شیطنت = بازیگوشی

۴ جمع هر کلمه را از متن درس پیدا کن و بنویس.

- فرزند
- ثروت مند
- مکتب دار
- معلم
- دانش آموز

فرزندان ثروتمندان مکتب داران معلمان دانش آموزان

۵ در بیت زیر چند جمله وجود دارد؟ جمله

«چو آیند و پرسند، گردن کشان چه گویم از این بچہ بد نشان؟»

۶ در داستان زال و سیمرغ (دستان) نام چه کسی بود؟ سیمرغ - زال

۷ شاهکار (فردوسی) شاعر بلند آوازه‌ی ایران، کدام کتاب است؟ شاهنامه

۸ منظور از عبارت «سر باز زدن از کاری»، یعنی چه؟

از زیر بار در رفتن یا تا مزممانی بردن از انجام کاری

۹ مفهوم بیت زیر را بنویس.

«چه گویم که این بچہ دیو، کیست پلنگ دو رنگ است یا خود پری است»

چون گویم که این دیو زاده لیسیت ؟ دیو است یا فرشته ؟

۱۰ خلاصه‌ی داستان (زال و سیمرغ) را بنویس و نام جدیدی برای آن پیدا کن.

بدعهدی دانش آموزان



با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: در قدیم دو نوع مکتب وجود داشت:

- (۱) کوچک - بزرگ (۲) سخت - آسان (۳) جدید - قدیم

(۴) خصوصی - عمومی

پ: به جزوه‌ی سوره‌های کوچک قرآن می‌گفتند.

- (۱) کتاب کوچک (۲) عم جزو (۳) معارف دینی

(۴) کتاب‌های مذهبی

پ: مکتب‌خانه مدارس تأسیس شد.

- (۱) پیش از (۲) بعد از (۳) پس از (۴) هم‌زمان

ت: با توجه به داستان زال و سیمرغ، کدام گزینه درست است؟

- (۱) مادر زال برای سام خبر آورد که فرزندش موهای سفید دارد.
(۲) زال به خواب دید که سواری آمد و مژده داد که پسرش تندرست است.

(۳) خاندان سام اندوهگین شدند و تا یک هفته جرأت نکردند خبر را به او بدهند.

(۴) پدرش از کوه بالا رفت و با سختی بسیار او را از لانه‌ی دور از دسترس سیمرغ فرود آورد.

ث: کدام ضرب‌المثل یا سخن حکیمانه با موضوع حکایت بوعلی و بلنگ گاو، ارتباط بیشتری دارد؟

- (۱) دست بالای دست بسیار است.
(۲) هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.
(۳) عقل سالم در بدن سالم.
(۴) جوینده، یابنده است.

ج: تعداد جملات کدام گزینه کمتر است؟

- (۱) بدین گونه بر روزگاری دراز برآمد که بُد کودک آنجا به راز ۲ عد
(۲) بخندند بر من مهان جهان از این بچه در آشکار و نهان ۱ چه
(۳) دل سام شد چون بهشت برین بر آن پاک فرزند کرد آفرین ۲ چه
(۴) همان گه بیایم چو ابر سیاه بی آزارت آرم بدین جایگاه ۲ چه





شغالی به درون خُص^۱ رنگ آمیزی رفت و بعد از ساعتی بیرون آمد، رنگش عوض شده بود. وقتی آفتاب به او می‌تابید رنگ‌ها می‌درخشید و رنگارنگ می‌شد. سبز و سرخ و آبی و زرد و ... شغال مغرور شد و گفت: من طاووس بهشتی‌ام، پیش آن‌ها رفت و مغرورانه ایستاد. دیگر شغال‌ها پرسیدند: چه شد که مغرور و شاد کام هستی؟ غرور داری و از ما دوری می‌کنی؟ این تکبر^۲ و غرور برای چیست؟ یکی از شغال‌ها گفت: ای شغالک^۳ آیا مکر و حيله‌ای در کار داری؟ یا واقعاً پاک و زیبا شده‌ای؟ آیا قصد فریب مردم را داری؟

شغال گفت: در رنگ‌های زیبای من نگاه کن، مانند گلستان صد رنگ و پرنشاط هستم. مرا ستایش کنید و گوش به فرمان من باشید. من افتخار دنیا و اساس دین هستم. من نشانه‌ی لطف خدا هستم. زیبایی من تفسیر عظمت خداوند است، دیگر به من شغال نگویید. کدام شغال این قدر زیبایی دارد؟ آن‌ها دور او جمع شدند، او را ستایش کردند و گفتند: «ای والای^۴ زیبا، تو را چه بنامیم؟» گفت: «من طاووس نر هستم.» شغال‌ها گفتند: «آیا صدایت مثل طاووس است؟» گفت: «نه، نیست.» گفتند: «پس طاووس نیستی. دروغ می‌گویی. زیبایی و صدای طاووس هدیه‌ی خدایی است. تو از ظاهر سازی و ادعا به بزرگی نمی‌رسی.»

«منوی - دفتر سوم»

الف: چه چیز باعث شد شغال فکر کند یک طاووس است؟

وقتی که در حین رنگ آمیزی افتاد و رنگارنگ شد. سبز و سرخ و آبی و زرد و ... زیبا شده است.

ب: سایر شغال‌ها چه سوالاتی از شغال داستان پرسیدند؟

تو را چه بنامیم؟ آیا صدایت مثل طاووس است؟

۱. شغالک: شغال بی‌ارزش

۲. تکبر: خودپسندی

۳. خص: کوزه

۴. والای: بلندمرتبه



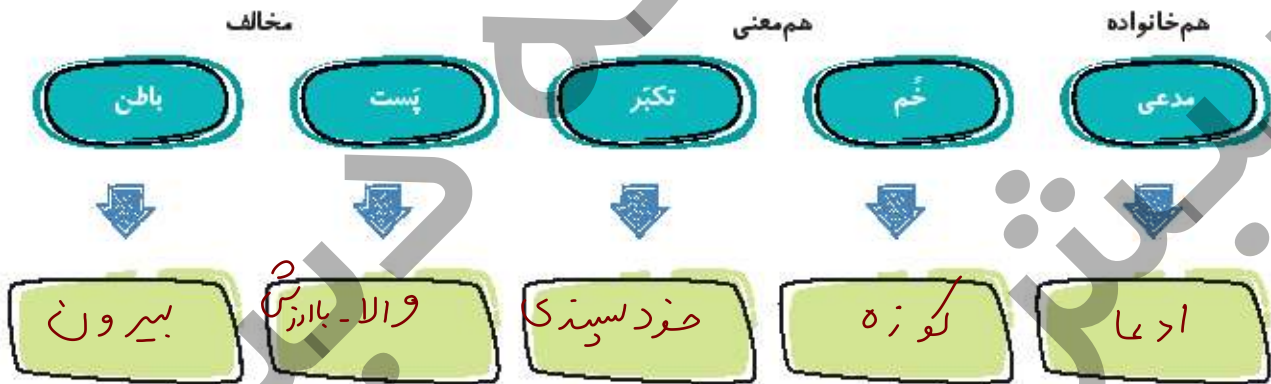
پ: علت اینکه سایر شغال‌ها به شغال داستان صفت «دروغ‌گو» را نسبت دادند چه بود؟

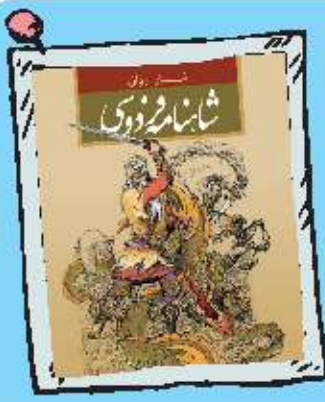
اینکه زیبایی و صدای جادویش که همه‌ی حنا ابر در اینداست

ت: منظور از کلمه‌ها و عبارات زیر، در داستان چیست؟



ث: جاهای خالی را با کلمه‌های داستان کامل کن.





شاهنامه

شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی (بیش از پنجاه هزار بیت) یکی از بزرگترین و برجسته‌ترین سروده‌های حماسی جهان است که سرایش آن سی سال کار پیوسته‌ی

این سخن سرای نامدار ایرانی است. موضوع این شاهکار ادبی، اساطیر و تاریخ ایران می‌باشد. فردوسی، با سرودن شاهنامه با ویژگی‌های هدفمندی که داشت زبان پارسی را زنده و پایدار کرد.



خودارزیابی

نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>

- مفهوم و معنای شعرهای زال و سیمرغ را آموختم.
- به راحتی می‌توانم مدارس قدیم را با مدارس جدید مقایسه کنم.
- با نقش معلم در مکتب خانه‌ها آشنا شدم.
- در درک متن‌های مختلف توانمند شدم.
- در پاسخ دادن به سوالات توانایی دارم.
- خلاصه‌ی متن‌های مختلف را به خوبی می‌نویسم.

